

چند روز پیش از مرگش بر صلیب، عیسی در
بیت عنیا، در خانه شمعون مهمان است.

((شام در بیت عنیا))

(متی ۲۶: ۶-۱۳)



او عطری بسیار گرانبها را با خود آورده و آن را بر سر عیسی می ریزد.

به هنگام غذا زنی نزدیک می شود...



چه اسرافی!

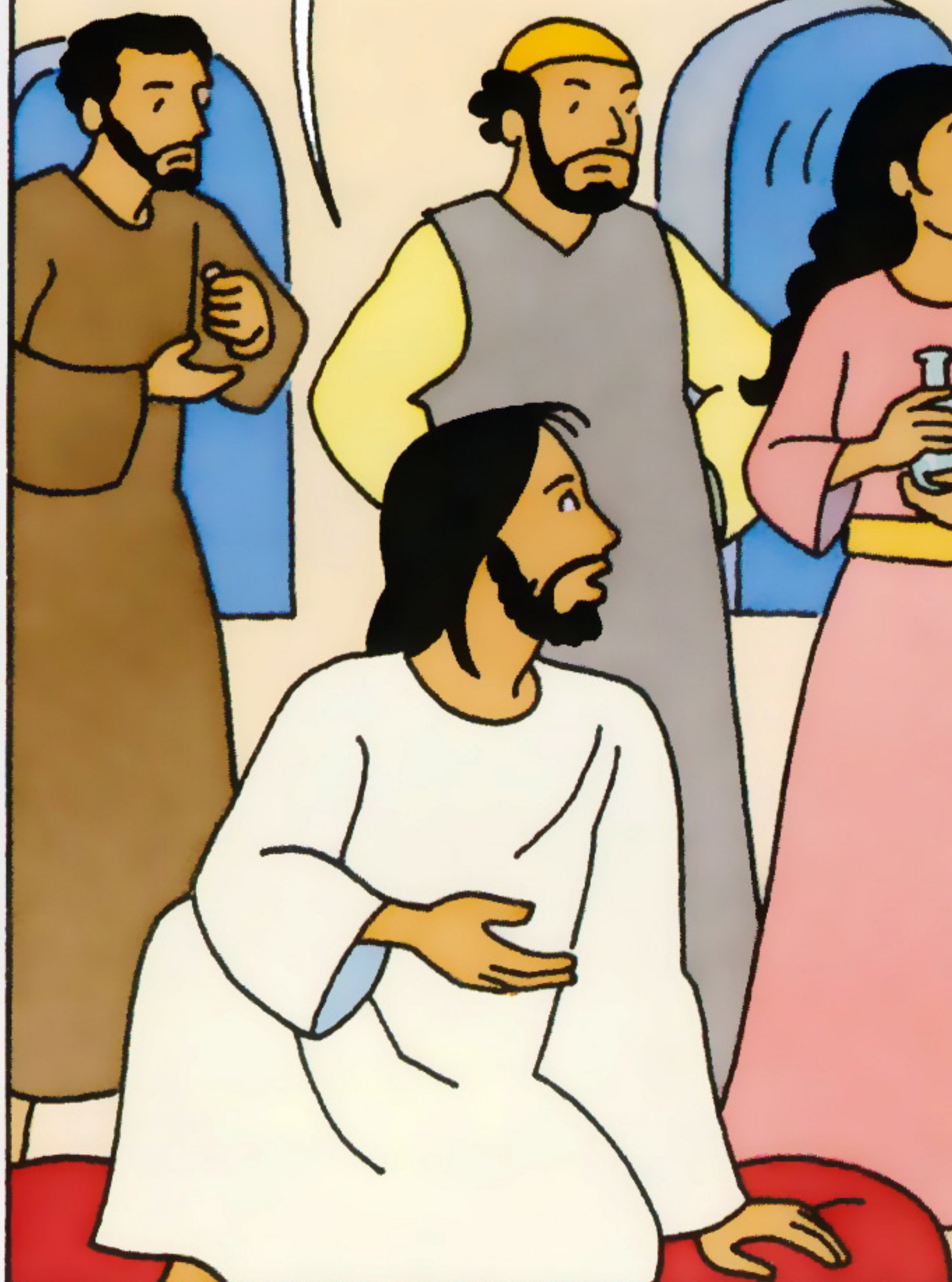
می شد این عطر را به بهایی
بسیار گران فروخت...



او کار نیکویی در حق من
کرده است.



چرا او را می رنجانید؟



... و پولش را برای نیکوکاری به تهیدستان داد!



آری، هرچا که این انجیل اعلام شود، از او
و کاری که کرد یاد خواهد شد.



با خوشبو کردن بدن
من، او آن را برای
خاکسپاری آماده کرد.



تهی دستان را همیشه خواهید
داشت! اما مرا همیشه با خود
نخواهید داشت ...

